

درباره عرفان عملی اهل بیته

حسین روحانی تهرانی^۱

چکیده

در این مقاله درباره عرفان عملی اهل بیته که یکی از دو شاخه عرفان اهل بیته است، سخن می‌گوییم. در آغاز به تعریف عرفان نظری و عملی می‌پردازیم و از آن به عنوان شناخت ویژه‌ای یاد می‌کنیم که از راه شهود درونی و یافت باطنی حاصل می‌گردد و نام علمی از علوم الهی است که به معنای شناسایی حق تعالی و معرفت مخصوصی است که از طریق تصفیه باطن و تخلیه سرّ از غیر خدا و تجلیه روح حاصل می‌شود و طریق مخصوص انبیا و اولیا و عرفاست. پس از آن از مبادی، مبانی و مؤلفه‌های عرفان عملی اهل بیته سخن می‌رود. سپس از احوال و مقامات سلوک و دستورعمل‌های سلوکی انمه هدی^ع، نقش امام و ولیّ الهی در سیر و سلوک صائب، شیوه اهل بیت^ع در تربیت سلوکی و عرفانی، تجربه عرفانی و کشف و شهود و عوامل و موانع آنها در پرتو قرآن و سنت قولی و سیره عملی اهل بیت عصمت و طهارت^ع گفت‌وگو می‌شود. نیز کوشش می‌شود آموزه‌های عرفان اهل بیته در باب سیر و سلوک، از سنت قولی و سیره عملی اهل بیت^ع و مناجات‌های عمیق و عاشقانه و ادعیه بلند آنان و نیز از گفت‌وگوهای آنان با اصحاب سرّ که در جوامع و منابع معتبر آمده است، استخراج و تبیین و تحلیل شود و در این راستا از عرفان مصطلح اسلامی نیز بهره خواهیم برد.

واژگان کلیدی: عرفان، عرفان عملی، سلوک، علم سلوک، اهل بیت، مبانی، احوال، مقامات، دستور عمل.

۱. استادیار سابق گروه عرفان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مقدمه

پس از اینکه انسان دریافت که مسیر او به سوی حق تعالی است، «وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ» (النجم: ۴۲)، بر اوست که به تزکیه نفس خویش بپردازد و آن را از هواها و ناپاکی‌ها بپیراید تا به رستگاری برسد: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَاها» (الشمس: ۹). سفر سلوکی توجه قلبی به سوی حضرت حق است و در قیامت جز قلب سلیم سودی ندارد: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَىٰ اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (شعراء: ۸۸-۸۹). در کتاب و سنت، عوامل تزکیه و تهذیب نفس با اسلوب‌های مختلف، تبیین و انسان از اهمال درباره نفس خود بر حذر داشته شده است. علما در این باره به دو شیوه عمل کرده و دورویکرد داشته‌اند:

الف) بعضی مدار بحث خود را اعمال و ملکات و بیان اعمال و ملکات زیبا یا زشت یا پسندیده یا ناپسند (حسن یا قبیح یا محمود یا مذموم) قرار داده‌اند. در بسیاری از بیانات کتاب و سنت و کتب اخلاقی قدیم و جدید از همین شیوه استفاده شده است.

ب) بعضی بحث خود را درباره طریق سلوکی قرار داده‌اند و از آغاز منازل و نهایت آن و عوامل و موانع طریق سخن گفته‌اند.

این شیوه و طریق، دقیق‌تر و نیکوتر و برای خواص، نافع‌تر است؛ هرچند شیوه اول، عمومی‌تر و برای توده مردم، سودمندتر است. با تأمل درمی‌یابیم که در کتاب و سنت نیز بر وجود استفاده از هر دو شیوه، شواهدی می‌توان یافت؛ اگرچه برای شیوه اول نمونه‌های بیشتر و روشن‌تر می‌توان یافت و شیوه دوم اگرچه نسبت به شیوه اول مثال‌های کمتری دارد، لکن آن هم مأخوذ از کتاب و سنت است. کتاب خدا در آیاتی به تشریح مبدأ و مسیر انسان می‌پردازد (مؤمنون: ۱۲-۱۶). (در سنت رسول ﷺ و ائمه علیهم‌السلام نیز شواهد فراوان که بدین طریق اشارت دارد، می‌توان یافت (ر.ک: نهج البلاغه: خطبه ۲۲ و ۸۷). در این مقاله، سخن درباره عرفان عملی اهل‌بیتی است. در گام نخست به مبادی و مبانی حوزه عرفان عملی اهل‌بیتی خواهیم پرداخت. در آغاز باید مقصود از مبادی و مبانی مشخص شود.



جرجانی مبادی را عبارت می‌داند از آنچه مسائل علم بر آن متوقف است. مبادی، بر خلاف مسائل، به برهان احتیاج ندارند (جرجانی، ۱۳۷۶، ص ۸۵). مبادی از نظر عرفا عبارت از اموری است که سالک در مبدأ سیر خود باید رعایت کند (سجادی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۱۶۶۶).

اما «مبانی» جمع مبنا، از ریشه «بني» به معنای پایه و اساس است که بر آن چیزی می‌گذارند. مبانی آن دسته عناصر و رهنمودهای دینی است که به صورت اصول و امور مسلم در یک زمینه می‌باشند و جنبه زیربنا برای بقیه عناصر را دارند و به نحوی آنها را تبیین و تعیین می‌کنند.

۱. تعریف عرفان، عرفان عملی و عرفان عملی اهل‌بیتی

درباره ریشه عرفان، میان لغت‌شناسان، دو احتمال وجود دارد: الف) ممکن است واژه «عرفان» مصدر فعل عَرَفَ و به معنای یک نوع علم باشد و «معرفت»، اسم آن به شمار آید (فیومی، ۱۳۷۹، ص ۴۰۴-۴۰۵). ب) ممکن است این واژه از واژه «عَرَفَ» به معنای بوی خوش گرفته شده باشد (ابن‌اثیر، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۲۱۷-۲۱۸).

به نظر نگارنده احتمال اول ارجح و مشهورتر است؛ هرچند احتمال دوم نیز با عرفان مناسبت دارد و بیانگر این واقعیت است که در گلزار معارف، گلی خوش‌بوتر از عرفان نرسته و مشام جان را معطر نموده است. اما در مورد تعریف عرفان می‌توان گفت دو گونه تعریف در دست است:

الف) تعریف ناظر به جوهره شناخته‌شده عرفان: عرفان عبارت است از معرفت شهودی به واقعیت باطنی و وحدانی هستی (موحدیان عطار، ۱۳۸۸، ص ۴۳۱-۴۳۴). شاید بتوان از تعریف ابن‌سینا درباره عارف به تعریفی از عرفان دست یافت که ناظر به این



نگاه درباره عرفان است؛ زیرا وی می‌گوید: «المتصرف بفکره إلی قدس الجبروت مستدیماً لشروق نور الحق فی سرّه یخص باسم العارف: عارف کسی است که توجه مستمر درونی و انصراف فکری دارد از ماسوا به طرف قدس جبروت به منظور تابش نور حق در سرّ او» (طوسی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۶۹). این تعریف گرچه تعریف عارف است، می‌توان از آن به تعریف عرفان به عنوان یک پدیدار روحی پی برد. تعریف استاد مصباح یزدی را نیز می‌توان از این گونه تعاریف قلمداد کرد که می‌نویسد: «عرفان» شناخت ویژه‌ای است که از راه حس و تجربه یا عقل و نقل حاصل نمی‌شود، بلکه از راه شهود درونی و یافت باطنی حاصل می‌گردد (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ۳۳-۴۱).

ب) تعریف ناظر به همه مؤلفه‌های جوهری و کل ساختار عرفان، مانند تعریف قیصری که می‌گوید: «عرفان، علم به خدای سبحان است از حیث اسما و صفات و مظاهر او و احوال مبدأ و معاد و علم به حقایق عالم و چگونگی رجوع آن حقایق به حقیقت واحده که ذات احدیت است (تعریف عرفان نظری) و معرفت راه سلوک و مجاهده برای رهاسازی نفس از قیود جزئیت و اتصال و پیوند آن به مبدأ آن و اتصاف آن به نعت اطلاق و کلیت» (ناظر به عرفان عملی) (قیصری، ۱۳۸۱، ص ۷).

تعریف قیصری مشتمل بر تعریف هر دو شاخه عرفان (عرفان نظری و عرفان عملی) است که در پایان هر کدام مشخص شده است؛ هرچند خود او از عرفان به نحو کلی سخن رانده است.

بنا بر این تعریف، معرفت عرفانی به امری تعلق می‌گیرد که خارج از حوزه ادراکات متعارف ما قرار دارد و امری باطنی و رازواره است و عرفان، راه و روشی است که طالبان حق برای نیل به مطلوب و شناسایی حق برمی‌گزینند.

عرفان عملی، علم سلوک است و مباحث آن، مربوط به سیر و سلوک، ریاضت و مجاهدت نفس است که در جوامع روایی از آن به جهاد النفس و در عرف عرفا از آن به



سفر تعبیر می‌شود: السفر عبارة عن توجه القلب إلى الله تعالى بالذكر على اختلاف مراتبه» (کاشانی، ۱۳۷۹، ص ۴۳۳). مقصد این سفر قلبی، وصول به حضرت حق است. اما وصول به خدای سبحان بر دو قسم است: وصول علمی و وصول عملی. وصول عملی مشروط به علمی است تا سلوک با بصیرت همراه باشد (قیصری، ۱۳۸۱، ص ۵)؛ چراکه اگر این سفر درونی که از آن به سیر و سلوک هم تعبیر می‌شود، با بصیرت همراه نباشد، سالک از مقصد دور می‌شود (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۳). عرفان عملی همان سیر و سلوک انسان به سوی حق تعالی است که مربوط به عمل سالک است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۴۵).

فرایند عمارت و آبادسازی باطن با معاملات قلبی و تخلیه آن از مهملکات و تخلیه و زیباسازی آن با منجیات، در حوزه عرفان عملی و علم سلوک قرار دارد و همین خصیصه، وجه تمایز آن از عرفان نظری است: «ان تعلقت بتعمیر الباطن بالمعاملات القلبیه بتخلیته عن المهملکات و تخلیته بالمنجیات فعلم التصوف و السلوک ...» (فناری، ۱۳۷۴، ص ۲۷).

برای سالک و مسافر الی الله بر اثر توجه کامل به خدا و عشق سوزان و فنا و شهود، معارفی مشهود می‌شود که در عرفان نظری مورد بحث قرار می‌گیرد؛ بدین بیان که با ریاضت‌های عرفانی، عشق الهی در جان عارف شعله‌ور می‌شود و برای او مکاشفاتی دست می‌دهد؛ از جمله اینکه برای او مکشوف می‌شود که در سراسر عالم هستی جز حق تعالی چیزی جز جلوه‌های او نیست و همه چیز را در خدا و صفات افعالی او فانی می‌بیند و نحوه ارتباط حق با خلق را درمی‌یابد و سپس به مقام بقای بعد الفناء نایل و پس از آن هادی خلق می‌شود؛ لذا می‌توان گفت عرفان نظری محصول عرفان عملی است. البته عرفان نظری نیز بر عرفان عملی تأثیر می‌گذارد؛ مثلاً در عرفان نظری عوالم هستی و غیر مادی به شکل نظام‌مند تحلیل می‌شود و اسرار هر مرتبه‌ای تعیین می‌گردد. آگاهی از این علم برای سالک مفید است؛ زیرا در هر مرحله‌ای وضعیت و درجه خود را می‌شناسد و

مفهوم شهودهای خود را می‌فهمد. در عرفان نظری ساختار منازل سیر و سلوک با دید هستی‌شناختی تحلیل می‌شود.

تأثیر دیگر اینکه چون محتوای عرفان نظری برگرفته از کشف نهایی عارفان است، میزانی برای سالکان میانه طریق سلوک خواهد بود و با مراجعه به شهود عارفان کامل از وضعیت و موقعیت خود در این سفر سلوکی آگاه شده، به مقایسه و سنجش موقعیت خود خواهند پرداخت (ر.ک: یزدان‌پناه، ۱۳۸۸، ص ۷۲-۷۶).

عرفان عملی بر دو قسم است: یکی حقیقت عرفان عملی که نفس سیر و سلوک منزل به منزل عاشقانه است و دیگری علم عرفان عملی است که بحث درباره دستور عمل‌های عرفانی است و حوزه بحث ما تنها علم عرفان عملی است.

عرفان اهل‌بیتی نیز به دو شاخه نظری و عملی تقسیم می‌شود. در شاخه نظری درباره خدای سبحان و اسما و صفات و مظاهر او، هندسه هستی و نظام اسما و آیات و نحوه رجوع قافله حقایق هستی به سوی حق سخن می‌رود و در شاخه عملی از شناخت طریق سیر و سلوک و مجاهده با نفس برای اتصال روح انسان به مبدأ متعال گفت‌وگو می‌شود. در روایات اهل بیت علیهم‌السلام چیزی به عنوان تعریف عرفان به صورت اصطلاحی و یکجا دیده نمی‌شود، بلکه در موارد مختلف به عناصری از عرفان اشارت کرده‌اند و بنای آنها هم بر این نبوده است که مانند فلاسفه و عرفا و دیگر ارباب علوم رایج، تعریف خاص به دست دهند؛ اما با توجه به روایات اهل بیت علیهم‌السلام و مذاق شریعت، تعریفی که عجمالتاً می‌توان به عنوان تعریف پیشنهادی ارائه کرد، این است که عرفان، علمی شهودی و معرفتی قلبی به حضرت حق و اسما و صفات اوست؛ به گونه‌ای که در اندیشه و عمل عارف، اثر عمیق گذاشته، غایت آمال او خدا باشد و برای تقرب به او به معرفت نفس و تهذیب و تزکیه آن از موانع، بپردازد و در چارچوب شریعت حقه و در راستای رهنمودهای پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه هدی علیهم‌السلام حرکت و سلوک کند.



بیان آن این است که در عرفان اهل‌بیتی عارف با آنکه در جامعه زندگی می‌کند و با خلق خدا در تعامل است، فکر و قلب او همواره معطوف به ماورا و ملکوت اعلاست؛ قالبش با خلق و قلبش با خداست. عبادت او آزاد و عاری از انگیزه‌رهایبی از جهنم و دستیابی به بهشت و حور و قصور است، بلکه بدان جهت که خدا شایسته عبادت و او عبد شکور است. الگوی سلوک او رسول ﷺ و ائمه نور ﷺ است.

عرفان اهل‌بیتی در ساحت نظر، مرکب از چندگونه معرفت است: معرفت خدا و صفات و اسمای حسناى او؛ معرفت رسول خدا ﷺ و اوصیای بحق او؛ معرفت شریعت؛ معرفت طریق تقرب به ساحت حقیقت؛ معرفت نفس و موانع تهذیب و تزکیه آن، اعم از موانع درونی و بیرونی و در ساحت عمل؛ اجرای دقیق شریعت حقه اسلامی با توجه به روح و حقیقت آن و عشق و اخلاص در مقام عمل.

عرفان به معنای واقعی، همان سلوک طریق نبوت و شریعت است. سرسلسله اولیا و کمال از اهل شهود، علی بن ابی‌طالب ﷺ افراد مستعد و خواص امت اسلامی را به عرفان و معرفت احدیت وجود فرا می‌خواند. عرفان همان معرفت است و معرفت حقیقی از متابعت شریعت حاصل می‌شود. مطالب اهل‌عرفان، بالاتر و عزیزتر از مطلب حکماست.

در شاخه عرفان عملی اهل‌بیتی، حرکت و سلوک انسان از یقظه و بیداری از خواب غفلت و حیات طبیعی محض آغاز می‌شود و این تلاش و تکاپو در فرایندی روش‌مند در مسیر «حیات طیبه» ادامه می‌یابد و سالک در جاذبه کمال مطلق قرار گرفته، سلوک منتهی به لقاءالله می‌گردد. غایت آمال عارف در عرفان عملی اهل‌بیتی، تقرب و وصول به حضرت حق می‌باشد و برای تقرب به او، باید به معرفت نفس و تهذیب و تزکیه آن از موانع پردازد و در چارچوب شریعت حق و در راستای رهنمودهای پیامبر خدا ﷺ و ائمه هدی ﷺ سیر و سلوک کند. عرفان اهل‌بیتی، سیر و سلوکی روش‌مند مبتنی بر کتاب و سنت و

معطوف به وصول به خدای سبحان است و به دو بخش کلی و کلان عرفان نظری اهل بیتی و عرفان عملی اهل بیتی تقسیم می‌شود و حوزه عرفان عملی اهل بیتی به پژوهش در بخش دوم اختصاص دارد و درباره «دانش سلوک: تبیین ماهیت، مبانی، منازل، مقامات، دستورعمل‌ها، راهکارها، روش‌ها و راهبردها با محوریت کتاب و سنت و سیره پیامبر اعظم ﷺ و اهل بیت ﷺ» سخن می‌گوید.

بنابراین مسائلی که در عرفان عملی مطرح می‌شود، بیشتر ناظر به سیر و سلوک طریق عرفانی و چگونگی وصول انسان به کمال نهایی است و از این بحث می‌شود که کدام طریق سلوکی و چه اعمالی می‌تواند موجب قرب انسان به حق تعالی و وصال او گردد. این نکته نیز درخور یادآوری است که در عرفان عملی بیش از آنکه به اعمال جوارحی تکیه و تأکید شود، اعمال جوانحی و وجهه نظر است که به ساحت قلب انسان مربوط می‌شود و در عرف عارفان از آنها به معاملات قلبی تعبیر می‌شود؛ لذا وسعت دامنه عمل از اعمال ظاهری و بدنی فراتر می‌رود و شامل اعمال قلبی و باطنی نیز می‌شود و آنچه در ساحت باطنی سالک در مقام قلب واقع می‌شود، در حوزه اعمال بلکه برترین و تأثیرگذارترین بخش اعمال به شمار می‌آید. به همین جهت نیت، روح اعمال محسوب می‌شوند و دستور ائمه هدی ﷺ به ما این است که بیش از آنکه به اعمال جوارحی اهتمام می‌ورزید، به اعمال جوانحی و روح اعمال توجه داشته باشید.

در عرفان عملی، اعمال ظاهری از آن جهت مورد توجه قرار می‌گیرند که در قلب و ساحت باطنی اثر می‌گذارند؛ از این رو اعمال قلبی و باطنی در کانون توجه قرار دارند؛ چراکه قلب انسان از برترین ساحت‌های وجودی او و دارای فعل و انفعالات فراوان و پیچیده و لایه‌های گوناگون و مهلکات و منجیات و مرض و صحت است؛ قلبی که از امراض و علایق دنیوی و...، تخلیه و پیراسته و به فضایل و اخلاق الهی، آراسته شده و به تعبیر قرآن، قلب سلیم باشد، آدمی را پله‌پله تا ملاقات و وصال حق که هدف عرفان عملی

است، بالا می‌برد و برای انسان، تعالی وجودی حاصل می‌شود (ر.ک: یزدان‌پناه، ۱۳۸۸، ص ۶۲-۶۳).

۲. هویت معرفتی و ارتباط عرفان عملی اهل‌بیتی با دیگر حوزه‌ها

عرفان عملی یا علم سلوک یک شاخه از علم ادیان است؛ زیرا علم ادیان دارای دو شاخه است: علوم ظاهری و علوم باطنی. حقیقت اکثر علوم باطنی، وهبی است، نه کسبی؛ لذا از طریق معصومان علیهم‌السلام و کاملان تلقی و دریافت می‌شوند. با رفع موانع، تجلیات الهی بر قلب سالک نازل می‌شود. اما عرفان عملی اهل‌بیتی گرایشی در رشته عرفان اسلامی است؛ زیرا عرفان اسلامی یکی از علوم اسلامی است و شامل چند رشته است که یکی از آنها عرفان عملی است و عرفان عملی اهل‌بیتی را می‌توان گرایشی از عرفان عملی به شمار آورد.

عرفان عملی اهل‌بیتی مستفاد یا مستنبط از نصوص معارف و حیانی اعم از قرآن و سنت قولی، فعلی و تقریری معصومان علیهم‌السلام است و هویت معرفتی آن، به معارف عرفانی مکتشف از کشف تام محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باز می‌گردد؛ زیرا معارف عرفانی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، بالوراثه از خاتم النبیین صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دریافت گردیده و در ذیل کشف تام محمدی قرار می‌گیرد. در عرفان عملی اهل‌بیتی، اجرای دقیق شریعت حقه اسلامی با توجه به روح و حقیقت آن و عشق و اخلاص در مقام عمل و اعتقاد و التزام به ولایت ائمه هدی علیهم‌السلام در نقطه کانونی سلوک قرار دارد؛ از این رو می‌توان گفت عرفان عملی اهل‌بیتی به معنای واقعی، همان سلوک طریق نبوت و شریعت و ولایت است.

اگرچه عرفان عملی اهل‌بیتی به مثابه یک علم هنوز در مراکز آموزشی مطرح نشده است، حقیقت آن در حوزه‌های نجف و قم تدریس می‌شده و بزرگانی بر اساس آن تربیت شده‌اند. عرفان عملی اهل‌بیتی با رشته‌هایی از علوم مرتبط، متناظر است. برای نمونه عرفان



مصطلح که در کتاب **منازل السائرین** خواجه عبدالله انصاری مطرح و متن کلاسیک عرفان عملی در حوزه عرفان اسلامی است، با عرفان عملی ارتباط تنگاتنگ دارد. ارتباط حوزه عرفان عملی اهل بیتی با حوزه عرفان نظری اهل بیتی، دوسویه و ارتباط فرع و اصل است و تأثیر این دو بر یکدیگر غیر قابل انکار می‌باشد.

از آنجا که مهم‌ترین اسباب تحول معنوی و نردبان تقرب الی الحق در عرفان عملی، عبادات اسلامی است که اگر با توجه به اسرار آنها صورت پذیرد، نقش افزون‌تری در ارتقای کیفی عمل سالک الی الله و تقرب او به حق خواهد داشت، ارتباط وثیق آن با حوزه عبادات فقه به خصوص اسرار عبادات مشهود می‌شود. درحقیقت عرفان عملی اهل بیتی، شریعت محور است و چنان‌که پیش از این گفته آمد، عرفان عملی از علوم باطنی است و پیش فرض علوم باطنی، شریعت محوری است که از علوم ظاهری است. طریقت بدون شریعت، ادعای باطلی است؛ زیرا نخستین پله نردبان صعود به سوی آسمان، شریعت است. حقیقت رهاورد سلوک در صراط مستقیم شریعت و طی طریقت است.

حوزه عرفان عملی اهل بیتی با حوزه تاریخ عرفان و عارفان نیز ارتباط و داد و ستد دارد؛ چراکه تاریخ عرفان و احوال عارفان، گوشه‌هایی از تجارب عارفان را در خود منعکس می‌سازد. حوزه عرفان عملی از حوزه تفسیر عرفانی که سرشار از اشارات باطنی و حقایق غیبی است و بسیاری از آنها برگرفته از آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام است، نیز می‌تواند بهره‌برداری کند. البته لازم است خاطر نشان کنیم که عرفان اهل بیتی به عنوان یک دانش منسجم، در آغاز راه است.

۳. امکان عرفان عملی اهل بیتی

عرفان عملی اهل بیتی اگرچه به صورت دانشی مشخص و متمایز وجود نداشته است، در آیاتی از قرآن کریم و در مطاوی معارف، آموزه‌ها و سیره معصومان علیهم‌السلام و اصحاب سرّ



آنان وجود داشته و در ادوار پس از ایشان توسط عارفان شیعه چون سید ابن طاوس، ابن فهد حلّی، محمدرضا قمشه‌ای، سیدعلی قاضی، شیخ محمدعلی شاه‌آبادی و امام خمینی ادامه یافته است. امام خمینی -قدس سرّه- آموزه‌های عرفانی قرآن را برترین آموزه‌های عرفانی ادیان و غایة القصوای بعثت معرفی می‌کند (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۲۶۴) و معتقد است مسائل عرفانی به آن نحو که در قرآن کریم آمده است، در کتاب دیگری نیامده است (همو، ۱۳۸۲، دفتر سیزدهم، ص ۶۳).

از جمله آیاتی که منبع الهام اهل معرفت برای استفاده عرفان عملی و سیر و سلوک و طی مراحل قرب حق تا آخرین منازل سیر و سلوک بوده، آیات ذیل است:

الف) آیات مربوط به «لقاء الله» و «رضوان الله»، مانند «فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (کهف: 11).

ب) آیات مربوط به وحی و الهام و مکالمه ملائکه با غیر پیغمبران -مثلاً حضرت مریم علیها السلام- و مخصوصاً آیات معراج رسول اکرم صلی الله علیه و آله.

ج) آیاتی از قرآن که از نفس اماره، نفس لوامه و نفس مطمئننه سخن می‌گوید.

د) آیاتی که در آنها سخن از علم افاضی و لدنی و هدایت‌های محصول مجاهده آمده است، مانند «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (عنکبوت: ۶۹).

ه) آیاتی از قرآن که در آنها از تزکیه نفس به عنوان یگانه موجب فلاح و رستگاری یاد شده است، مانند «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيْهَا» (شمس: ۹ - ۱۰).

و) آیاتی از قرآن که در آنها مکرر از حب الهی، مافوق همه محبت‌ها و علقه‌های انسانی یاد شده است.

منبع دیگری که می‌تواند الهام‌بخش معارف عرفانی باشد، روایات، خطبه‌ها، ادعیه، احتجاجات اسلامی و تراجم احوال اکابر تربیت‌شدگان اسلام است که نشان می‌دهد آنچه در صدر اسلام بوده است، صرفاً زهد خشک و عبادت به امید اجر و پاداش نبوده است. در

روایات، خطب، ادعیه و احتجاجات، معانی بسیار بلندی مطرح است. تراجم احوال شخصیت‌های صدر اول اسلام از یک سلسله هیجانات، واردات روحی، روشن‌بینی‌های قلبی، سوزها و گدازها و عشق‌های معنوی حکایت می‌کند (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص ۵۵۵-۵۵۷).

بنابراین قرآن کریم و تعالیم ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌تواند الهام‌بخش سالکان باشد. در قرآن کریم زهد و پارسایی، مایه خشنودی خدا و سبب قرب به حق شمرده است. پیامبر اسلام روش زاهدان و پارسایان را داشتند؛ اما از گوشه‌گیری بر حذر می‌داشتند؛ از این رو در عالم اسلام شاهد سربرآوردن اصطلاحاتی چون زاهد، عابد و عارف در باب کنش‌های معنوی هستیم که نشان از مدارج معنوی آنان دارد.

۴. ضرورت و اهمیت عرفان عملی اهل‌بیتی

با توجه به نیاز بالفعل جامعه اسلامی، ضرورت‌های زیر برای عرفان عملی اهل‌بیتی قابل طرح است:

- الف) ضرورت کوشش برای رفع نیازهای نظام جمهوری اسلامی در حوزه نظامات اجتماعی و رفتاری اسلام با تولید عرفان عملی مبتنی بر قرآن و سنت؛
- ب) ضرورت اهتمام به نوآوری و گره‌گشایی در قلمرو عرفان عملی با تکیه بر آموزه‌های عرفانی قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام؛
- ج) ضرورت مطالعه تطبیقی، مبتکرانه و عالمانه میان عرفان عملی اهل‌بیتی با عرفان عملی موجود؛
- د) ضرورت تولید عرفان عملی صادق، صائب و منطبق با شریعت حقه اسلام محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با ادبیات و زبان عرفان به صورت نوآمد و ناظر به نیازهای نوپدید؛
- ه) ضرورت بازآرایی و ارائه مناسب معارف عرفانی اسلام با لحاظ نظرها و نیازهای

نو‌پدید؛

و) ضرورت پرکردن خلأ معنوی دنیای مدرن شده امروز ما با عرفان اصیل اسلامی که عرفانی است برخاسته از منبع اهل بیت (ع)؛
ز) ضرورت ترویج عرفان ناب اسلامی به عنوان زیرساخت انسان‌ساز برای حرکت فرهنگی و پیشرفت کشور.

۲۰۱



درباره عرفان عملی اهل‌بیتی

۵. پیشینه عرفان عملی اهل‌بیتی

در زمینه عرفان عملی اهل‌بیتی گام‌هایی زمینه‌ساز - و البته نه با همین عنوان - برداشته شده است که در برخی از آنها مانند آثار سیدحیدر آملی، ملاصدرای شیرازی، حکیم سبزواری، آقا محمدرضا قمشه‌ای و دیگر حکمای عرفان مشرب حوزه تهران، در ذیل سنت عرفان ابن‌عربی نیم‌نگاهی به عرفان شیعی صورت گرفته و در نقد بعضی از آموزه‌های سنت عرفانی ابن‌عربی چون مصادیق خاتم ولایت مطلقه و مقیده، دیدگاه عرفانی شیعه مطرح شده است. فقهای عارف مشرب مکتب اخلاقی - عرفانی نجف نیز به گونه‌ای از عرفانی که ابتنای آن بر کتاب و سنت است، در قالب دستورعمل‌های سلوکی سخن گفته‌اند. امام خمینی در آثار عرفانی خویش میان عرفان شیعی و عرفان ابن‌عربی جمع کرده است. وی در شرح دعای سحر، به سبک سنت عرفان شیعی تمایل دارد و در تعلیقات بر شرح فصوص الحکم و مصباح الانس، از سبک سنت عرفان ابن‌عربی پیروی کرده و در کتاب مصباح الهدایه الی‌الخلافة و الولایه به شیوه ترکیبی از این دو مکتب عرفانی تأثیر پذیرفته است. دیگر آثار عرفانی امام خمینی مانند سرّ الصلوه و آداب الصلوه که ماهیتی باطنی و عرفانی دارند، ناظر به سنت عرفانی ابن‌عربی و آموزه‌های عرفانی اهل‌بیتی است؛ هرچند تحت این عنوان مطرح نشده است.

همچنین علامه طباطبایی نیز در کتبی چون رساله التوحید، رساله اسماء، رساله

الولایه، شیعه (محاضرات و مکاتبات با هانری کربن) و **المیزان فی تفسیر القرآن** گام‌هایی در راستای عرفان اهل‌بیتی برداشته است. شاگردان علامه طباطبایی چون استاد عبدالله جوادی آملی، علامه سیدمحمد حسین طهرانی و استاد حسن حسن‌زاده آملی در آثار خود در طرح مباحث عرفانی از چاشنی کتاب و سنت پیامبر و ائمه معصوم علیهم‌السلام بهره گرفته‌اند. استاد جوادی آملی در آثاری چون **عین نضاح** (تحریر تمهید القواعد)، **تحریر رساله الولایه** علامه طباطبایی، **حیات عارفانه امام علی علیه‌السلام**، ابحاث عرفانی و لطائف و اشارات تفسیر **تسنیم** و شرح مناجات شعبانیه، گام‌هایی در جهت عرفان و حیانی برداشته است. استاد حسن‌زاده آملی در کتاب‌های **انسان و قرآن**، **انسان کامل در نهج البلاغه**، **رساله انه الحق**، **فص حکمه عصمتیه فی کلمه فاطمیه** و سپس شرح آن و... نیز گام‌های مؤثری در تولید ادبیات عرفان اهل‌بیتی برداشته است. کتاب **شاخصه‌های عرفان ناب شیعی** از جناب آقای دکتر **محمد فنائی اشکوری** نیز گامی در تولید ادبیات عرفان عملی اهل‌بیتی است. در عرصه عرفان عملی اهل‌بیتی در سه محور مبانی، موضوعات درونی و مباحث پیرامونی، آثاری تولید شده است؛ اما همچنان جا برای تحقیق بیشتر وجود دارد.

۶. ساختار منطقی معرفتی عرفان عملی اهل‌بیتی

سیر و سلوک بر سه قسم است و هر قسم متضمن اموری کلی است که به «مقام» موسوم است؛ زیرا نفس در هر یک از آنها به تحقق احوالی می‌پردازد که به طور متناوب در نفس پدیدار می‌شوند؛ زیرا نفس دارای سه وجه است:

وجه اول: توجه آن با همه قوا به تدبیر بدن و آماده‌سازی آن طبق شریعت برای آنچه نفع عاجل یا آتی آن را در بر دارد. این وجه سرآغاز سیر و سلوک است و به آن «بدایات» گفته می‌شود.

وجه دوم: توجه آن به تعدیل صفات نفس و کنترل و ایجاد ثبات آن. در این بخش، از



«ابواب» ورود نفس از ظاهر به باطن سخن گفته می‌شود؛ لذا این قسمت به ابواب موسوم است.

وجه سوم: توجه به باطن خود یعنی روح و سرّ ربانی و استمداد از آن در رفع حجب و لذا این قسم، «معاملات» نامیده می‌شود. ملاک مقامات هر قسم، سه چیز است و بقیه در شمار متمم‌ها هستند. اکنون اهم عناوین ساختار منطقی معرفتی حوزه عرفان عملی:

الف) بدایات

- ۱) توبه: مهم‌ترین بخش بدایات، توبه است که عبارت است از رجوع از مخالفت به موافقت و از ظاهر به باطن و یقظه و انابه و محاسبه در آن داخل است.
- ۲) اعتصام: اعتصام به حبل‌الله به معنای تمسک به امر و نهی الهی و پایه‌گذاری اقوال، افعال و احوال خود - از روی یقین - بر شریعت است. تفکر و تذکر در حوزه اعتصام داخل‌اند.
- ۳) ریاضت: ریاضت، زایل‌ساختن حالت چموشی و نافرمانی نفس و قطع مألوفات، و مخالفت با هواهای نفسانی است. فرار و مجاهده در قلمرو آن قرار دارد.

ب) ابواب

وقتی توبه و اعتصام به حبل‌الله و ریاضت، ملکه نفس گردید، سالک برای ورود به بخش «ابواب» آماده می‌شود. ملاک مقامات ابواب نیز سه چیز است که مهم‌ترین آنها زهد است:

- ۱) زهد: زهد در لغت به معنای ضد رغبت و حرص بر دنیاست. زاهد کسی است که به دنیا راغب نیست و از آن به چیزی اندک راضی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۸۴). زهد در اصطلاح اهل معرفت، ترک حلال دنیاست و عدم رغبت به آن و اعراض

و روی گردانیدن از شهوت‌ها و لذت‌های آن (سهروردی، ۱۳۶۳، ص ۱۰). رجا، رغبت و تبطل در ذیل زهد قرار دارند.

۲) ورع: ورع احتراز از هر چیزی است که در آن، شائبه انحراف شرعی به شبهه ضرر معنوی است. قناعت و تقوا در حوزه ورع قرار دارند.

۳) حزن: حزن اندوه بر کمالات و اسبابی از آن است که از انسان فوت شده است. خوف، حذر، اشفاق، خشوع و اخیبات در حوزه حزن قرار دارد.

ج) معاملات

وقتی سالک زمام هدف ورع و حزن را به دست گرفت، بر اثر برخورداری از حظوظ و حقوق آنها مستحق معاملات می‌شود. مهم‌ترین مقاماتی که در حوزه معاملات قرار دارد، سه چیز است: اخلاص، مراقبه و تفویض.

۱) اخلاص: اخلاص، تصفیة و خالص‌سازی هر عمل قلبی یا قالبی است از هر گونه شائبه غیر الهی. تهذیب و استقامت در حوزه اخلاص قرار دارد.

۲) مراقبه: مراقبه عبارت است از دوام ملاحظه حضرت حق که در ظاهر و باطن متوجه اوست. رعایت و حرمت در مراقبه مندرج است.

۳) تفویض: تفویض موکول کردن همه امور است به خدای سبحان؛ زیرا سالک می‌داند که خدا داناتر به مصالح و مشفق‌تر و قوی‌تر است.

وقتی نفس به این مقامات متحقق گردید و بر ذکر مداومت نمود و بر جمع همم همت گماشت و به دفع خواطر پرداخت، احکام کثرت از او زایل می‌شود و اثر وحدت در قلب و نیز در سمع و بصر او ظاهر می‌شود و در نتیجه هر چه می‌بیند، نیکو و زیبا می‌بیند و هر چه می‌شنود، زیبا می‌شنود. وقتی از نفس سالک در این مقامات نه‌گانه، حجاب‌های کثرت فانی گردد و به عالم وحدت وارد شود، در این هنگام از مقام اسلام به باطن آن که نور ایمان

است، منتقل می‌شود.

د) اخلاق

ه) اصول طلب

این مرتبه ایمانی دو رکن دارد: یکی بخش اخلاق است که به مثابه شروط نماز است و دومی اصول طلب است.

۱) صبر: صبر از منازل بخش اخلاق بوده و از دیگر منازل، عام‌تر است و هیچ‌یک از مقامات، اعمال، اخلاق و احوال جز بدان کمال نمی‌پذیرد. حقیقت صبر، حبس نفس و وادارکردن آن است بر طاعات؛ سپس ترک رؤیت اعمال و ترک ادعاست. موارد صبر بسیار گسترده، دامنه‌دار و دارای درجات متعدد است و اهل معرفت، تحلیل روان‌شناختی عرفانی بدیعی از آنها دارند؛ تا آنجا که سالک از دیدگاهی برخوردار می‌شود که محنت را نوعی نعمت و لطف تلقی می‌کند و وظیفه خود را پس از آن که صبر بود، «شکر» می‌داند.

۲) شکر: موارد شکر بسیار است، از جمله: ۱- شکر بر نعمت خلقت و هستی بخشی؛ ۲- شکر بر هدایت؛ ۳- شکر بر تأیید الهی در ادای حقوق طریق سلوک؛ ۴- شکر بر نیل به مرتبه تحقیق. صدق، تواضع، حیا، خلق، ایثار، کرم و فتوت در این حوزه قرار دارد.

۳) رضا: رضا عبارت است از یافتن نفس و روح و سرّ سالک. این حقیقت که همه آنچه در وجود از حق تعالی صادر می‌شود، مطابق مراد اوست؛ لذا در نظر او هیچ چیزی ناخوشایند نیست، مگر اینکه مخالف شرع باشد که آن را از آن جهت که با شرع مخالفت کرده باشد، مکروه و ناخوشایند می‌داند نه از آن جهت که فعل خدای علیم و حکیم است.

و) اصول

با طی منازل بخش اخلاق، سالک در پیمایش مقامات اصول سرعت می‌گیرد. مقامات





اصول به منزله ارکان نمازند. اصول چهار چیز است:

۱) قصد و نیت صحیح: اصل اول از اصول سلوک، قصد صحیح است و صحیح بودن آن، بدین معناست که سالک با بصیرت و اطمینان و برای عبور از موانع طریق حق، به سلوک الی الله روی آورد.

۲) عزم: اصل دوم، عزم است؛ زیرا ممکن است وقتی سالک قصد سیر و سلوک کند، اموری او را به بازگشت برانگیزند؛ از این رو به تقویت انگیزه برای ادامه مسیر، محتاج است راه را بر آنچه او را به قهقرا برمی‌انگیزد، قطع کند. این عامل و انگیزه نیرومند، عزم نام دارد و اصل دوم از اصول است.

۳) یقین: اصل سوم یقین است؛ بدین بیان که وقتی عزم درست شد و حجاب‌ها رقیق گردید و توجه سالک به احکام عالم ماده منقطع شد، حکم اصل سوم که یقین است، ظاهر می‌شود. در این موقعیت، سالک با شهود فعل حق که در هر شیئی ساری و جاری است، از سکون و آرامشی برخوردار می‌شود که دیگر از دلیل مستغنی می‌شود. البته یقین دارای مراتبی است. ذکر باطنی و انس در این قسم از یقین قرار دارد.

۴) فقر: اصل چهارم فقر است. در این هنگام تحولات عمیق و تجلیاتی در روح و سرّ سالک رخ می‌نماید. در این منزل قلب از احکام غیریت حقیقتاً خالی می‌شود.

با تحولاتی در مناسبات روح و نفس حیوانی، به مقام قلب جامع تقی سر برمی‌آورد و مرآت و مجلای تجلی وحدانی صفاتی می‌شود و سالک وارد مقام احسان می‌گردد. در این مقام، محبت الاهی او را از مرتبه‌ای از مراتب اسما به مرتبه عالی‌تر ارتقا می‌بخشد و در وادی وصف و اثری از علم و حکمت و بصیرت قلبی سرّی - نه عقلی یا روحی - و وادی فراست و وادی الهام می‌شود. سپس در وادی طمانینه و آرامش درون وارد می‌شود و از اضطراب رهایی می‌یابد. سپس در وادی سکینه وارد می‌شود و بعد وارد وادی همتمی برانگیزاننده به سوی معالی امور می‌شود. بعد از قطع این اودیه، این حقیقت حبی که حکم



آن بر سر این سائر و سالک به موجب «فاذا أحببته»، بر او غالب است، ظاهر می‌شود و از خواصی برخوردار می‌گردد که بعضی از آنها به عنوان احوال تعبیر می‌کنند. اولین حال، غیرت است که مقتضی نفی غیریت و آثار خلقی از حقیقت است. سپس شوق است که اثر غیرت است و محبت او را به سوی محبوب سوق می‌دهد. بعد از آن، قلق است که ظهور اثر شوق در مشتاق است. بعد عطش است که جز با قطره‌ای از سلسبیل عنایت فرونشیند. سپس وجدان است، بعد هیمنان است، بعد برق است و بعد ذوق است. این احوال نردبان ترقی سیر سائر و سالک به مقامات منیع است. اهل معرفت فرایند سیر و سلوک را با تحلیل عرفانی روان‌شناختی دقیق دنبال می‌کنند که آوردن همه آنها در این مقال نمی‌گنجد (ر.ک: فناری، ۱۳۷۴، ص ۱۴۹ به بعد).

۷. ساختار کلی عرفان عملی اهل‌بیتی

اکنون پس از توضیح مختصر درباره برخی منازل سلوکی، به ساختار کلی عرفان عملی می‌پردازیم. نخست ساختار کلی عرفان عملی بر اساس متن کلاسیک **منازل السائرين** و سپس ساختار کلی عرفان عملی اهل‌بیتی را می‌آوریم. ساختار کلی عرفان عملی بر اساس متن کلاسیک **منازل السائرين** از آغاز تا پایان سلوک به صورت سیر صعودی در ده بخش سامان یافته و هر بخش دارای ده باب است که مجموعاً به صد منزل بالغ می‌شود و به اختصار از این قرار است:

الف) ساختار کلی عرفان عملی بر اساس متن کلاسیک **منازل السائرين**:

- ۱) بخش بدایات: یقظه، توبه، محاسبه، انابه، تفکر، تذکر، اعتصام، فرار، ریاضت و سماع.
- ۲) بخش ابواب: حزن، خوف، اشفاق، خشوع، اخبات، زهد، ورع، تبذل، رجا و رغبت.

۳) بخش معاملات: رعایت، مراقبه، حرمت، اخلاص، تهذیب، استقامت، توکل، تفویض، ثقه و تسلیم.

۴) بخش اخلاق: صبر، رضا، شکر، حیا، صدق، ایثار، خلق، تواضع، فتوت و انبساط.

۵) بخش اصول: قصد، عزم، اراده، ادب، یقین، انس، ذکر، فقر، غنی و مراد.

۶) بخش اودیه: احسان، علم، حکمت، بصیرت، فراست، الهام، تعظیم، سکینه، طمأنینه و همت.

۷) بخش احوال: محبت، غیرت، شوق، قلق، عطش، وجد، دهش، هیمان، برق و ذوق.

۸) بخش ولایات: لحظه، وقت، صفا، سرور، سرّ، نفس، غربت، غرق، غیبت و تمکن.

۹) بخش حقایق: مکاشفه، مشاهده، معاینه، حیات، قبض، بسط، سکر، صحو، اتصال و انفصال.

۱۰) بخش نهایات: معرفت، فنا، بقا، تحقیق، تلبیس، وجود، تجرید، تفرید، جمع و توحید.

ب) ساختار کلی عرفان عملی اهل بیته:

۱) مبادی و مبانی

۱. بحث از عرفان عملی اهل بیته چه ضرورتی دارد؟

۲. مفهوم و ماهیت عرفان عملی چیست؟

۳. اقسام عرفان و عرفان عملی کدام اند؟

۴. حقیقت سلوک و سالک و شریعت و طریقت و حقیقت و مناسبات آنها با یکدیگر

چیست؟

۵. عرفان عملی اهل بیته معطوف به چه اهداف و غایاتی است؟

۶. مختصات و ویژگی های عرفان اهل بیته چیست؟



- ۲) مراحل و منازل عمده سلوک در عرفان عملی اهل بیت کدام اند؟
- ۳) موانع سلوک در عرفان عملی اهل بیت کدام اند؟
- ۴) شاخصه‌های مهم عرفان عملی اهل بیت چیستند؟
- ۵) مؤلفه‌های عرفان عملی چیست؟
- ۶) مبانی عرفان عملی اهل بیت کدام اند؟
- ۷) احوال سلوک در عرفان عملی اهل بیت چیست؟
- ۸) مقامات سلوک در عرفان عملی اهل بیت کدام اند؟
- ۹) امامت و ولایت چه نقش و جایگاهی در عرفان عملی اهل بیت دارد؟
- ۱۰) دستور عمل‌های سلوکی معصومان علیهم‌السلام از چه مختصاتی برخوردارند و به چند دسته قابل تقسیم اند؟
- ۱۱) شیوه تربیت سلوکی در کتاب و سنت چیست و چه شاخصه‌هایی دارد؟
- ۱۲) تجربه عرفانی از منظر کتاب و سنت چیست و عوامل و موانع آن کدام اند؟

۸. حوزه‌های پیش‌نیاز و پس‌نیاز و هم‌نیاز عرفان عملی اهل بیت

حوزه‌های پیش‌نیاز عرفان عملی اهل بیت از این قرارند: عرفان نظری و عرفان عملی؛ تفسیر قرآن کریم؛ درایه الحدیث؛ آشنایی با سنت و سیره معصومان علیهم‌السلام و علم اخلاق اسلامی. هم‌نیاز آن عبارت است از همه موارد شمارش شده؛ چراکه اینها گرچه پیش‌نیازند، در هنگام تدوین عرفان اهل بیت نیز مورد نیازند. پس‌نیاز آن هم عبارت است شناخت تأثیرگذاری عرفان عملی بر جامعه هدف. بنابراین روان‌شناسی و جامعه‌شناسی جامعه هدف نیز پس‌نیاز آن‌اند.

۹. نتایج و آثار عرفان عملی اهل بیتی

برون‌دادهایی که از اجرای تحقیق عرفان عملی اهل بیتی مد نظر است، عبارت‌اند از: الف) عرضه آثار نوشتاری در قالب کتاب، مقاله و آثار گفتاری در قالب سمینار، نشست، همایش و... ۲. چاپ، انتشار و توزیع درست آثار این حوزه، پیامدهای فرهنگی مبارکی را - ان‌شاء‌الله - در پی خواهد داشت؛ از جمله موجب خواهد شد منکران عرفان دریابند که این حقایق والا در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام مسبوق به سابقه است و به تدریج استیحا ش و رمندگی از عرفان اصیل از میان خواهد رفت و مؤمنان دغدغه‌مند شریعت و ولایت، از واگرایی به همگرایی و همدلی روی خواهند آورد و علاقه‌مندان به سیر و سلوک و بیمناک از عرفان‌واره‌ها با خاطری آسوده و با تکیه بر سلوک سبز، سالم و ثمربخش اهل بیتی علیهم‌السلام پای در جاده طلب خواهند گذاشت و محققان توانا با دیدن خروجی این تحقیق، قدم در این مسیر خواهند گذاشت و آثاری بس متقن‌تر و برتر و فنی‌تر و استدلالی‌تر پدید خواهند آورد و روزبه‌روز بر اتقان این آثار افزوده خواهد شد. لازمه تحقق این امر مهم، دست کم ده سال پژوهش مداوم است.

مشخصاً سازمان‌های فرهنگی چون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی و... و سازمان‌های آموزشی در رشته عرفان مانند دانشگاه‌ها و... می‌توانند از این تحقیقات استفاده کنند؛ برای نمونه در رشته عرفان اسلامی در دانشگاه‌ها، واحدی به نام عرفان اسلامی وجود دارد که در آن به عرفان عملی می‌پردازند؛ لذا این گونه تحقیقات اگر مناسب و قوی نوشته شود، می‌تواند به عنوان منبعی برای آن دروس قرار گیرد.

آثار این حوزه علمی برای استادان، دانشجویان، کانون‌های فرهنگی مساجد، معلمان، دانش‌آموزان و دیگر اقشار علاقه‌مند به مسائل معنوی - سلوکی نیز مفید است. این حوزه علمی، امکان و استعداد برای طراحی رشته‌های علمی - آموزشی در دانشگاه‌ها در رشته

عرفان اسلامی و رشته عرفان و تصوف و نیز در حوزه‌های علمیه شیعه را درازمدت دارد؛ اما فعلاً می‌تواند در حد یک گرایش باشد و بعید است تا سال‌ها بتواند به عنوان یک رشته طرح شود؛ چون کار بسیار زیادی می‌طلبد.

۲۱۱



جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

عرفان عملی اهل‌بیتی از علوم الهی و طریق تهذیب و تزکیه نفس است و رهاورد آن، تجارب عرفانی و شهود باطنی و معرفت مخصوصی درباره حضرت حق و اسما و صفات اوست. عرفان عملی، سلوک و سفر درونی و توجه قلبی به سوی حضرت حق -جلّ و علا - می‌باشد و از آن به علم سلوک نیز تعبیر می‌شود. این علم، مستفاد از قرآن کریم و سیره عملی و سنت قولی معصومان علیهم‌السلام و دارای مبادی، مبانی، مقامات، احوال و تجارب عرفانی است. در کتاب و سنت معصومان علیهم‌السلام آموزه‌ها و دستورالعمل‌های کاربردی دقیقی در این باره وجود دارد. از جمله مختصات عرفان عملی اهل‌بیتی، توحیدمحوری، شریعت‌مداری و تبعیت از ولایت و امامت ائمه هدی علیهم‌السلام می‌باشد.

منابع

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد؛ **النهاية في غريب الحديث و الأثر**؛ تحقيق طاهر احمد الزاوي، محمود محمد طنّاحي؛ قم: انتشارات اسماعيليان، ۱۳۶۴.
۲. جرجاني، سيد شريف علي بن محمد؛ **التعريفات**؛ بيروت: دار الكتاب العربي، ۱۳۷۶.
۳. جوادي آملی، عبدالله؛ **عين نضاخ** (تحرير تمهيد القواعد)؛ تحقيق و تنظيم حميد پارسانيا؛ قم: اسراء، ۱۳۸۷.
۴. خميني، سيدروح الله؛ **آداب الصلاة**؛ تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني (س)، ۱۳۷۸.
۵. —؛ **تبيان**؛ دفتر سيزدهم، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني (س)، ۱۳۸۲.
۶. دشتی، محمد؛ **نهج الحياة** (فرهنگ سخنان فاطمه عليها السلام)؛ قم: مؤسسه تحقيقاتی اميرالمؤمنين عليه السلام، ۱۳۷۲.
۷. راغب اصفهانی، حسين؛ **المفردات**؛ ج ۱، دمشق - بيروت: دار القلم - الدار الشاميه، ۱۴۱۲ق.
۸. سجادی، سيدجعفر؛ **فرهنگ معارف اسلامي**؛ تهران: انتشارات دانشگاه، ۱۳۷۳.
۹. السهروردي، ضياء الدين ابوالنجيب؛ **آداب المريدين**؛ ترجمه عمر بن محمد بن احمد شيركان؛ تهران: انتشارات مولي، ۱۳۶۳.
۱۰. طوسي، خواجه نصيرالدين؛ **شروح الإشارات**؛ قم: نشر البلاغه، ۱۳۷۵.
۱۱. فناری، محمد بن حمزه؛ **مصباح الأنس** (شرح مفتاح الغيب)؛ تصحيح محمد خواجوي، توضيحات با حواشي و تعليقات ميرزا هاشم اشكوري، امام خميني، سيدمحمد قمی، آقا محمدرضا قمشه ای، استاد حسن زاده آملی و فتح المفتاح؛ ج ۱،



- تهران: انتشارات مولی، ۱۳۷۴.
۱۲. فیومی المقری، احمد بن محمد بن علی؛ **المصباح المنیر**، بیروت: المكتبة العلمیه، ۱۳۷۹.
۱۳. قیصری، داود بن محمود. **رسائل قیصری**: رسالة التوحید و النبوة و الولاية؛ با حواشی محمدرضا قمشه‌ای، با تعلیق و تصحیح و مقدمه جلال‌الدین آشتیانی؛ تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۱.
۱۴. کاشانی، کمال‌الدین عبدالرزاق؛ **لطائف الأعلام فی إشارات اهل الإلهام**؛ با تصحیح و تعلیق مجید هادی‌زاده؛ تهران: مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۹.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب؛ **الکافی**؛ ۸ جلد، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵.
۱۶. مصباح یزدی، محمدتقی؛ **در جستجوی عرفان اسلامی**؛ قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۶.
۱۷. مطهری، مرتضی؛ **مجموعه آثار**؛ ج ۱۴، قم: صدرا، ۱۳۸۹.
۱۸. موحدیان عطار، علی؛ **مفهوم عرفان**؛ قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۸.
۱۹. یزدان‌پناه، سیدیدالله؛ **اصول و مبانی عرفان نظری**؛ نگارش سیدعطاء انزلی؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸.